

آغاز غربالگری «اضطراب پس از حادثه» در تهران

ایستا؛مدیر دفتر سلامت روانی، اجتماعی و اعتیاد وزارت بهداشت با بیان اینکه چند درصد افرادی که ترومای روانی را تجربه می‌کنند به سمت «اختلال اضطراب پس از سانحه» سوق داده می‌شوند، گفت: برنامه‌های غربالگری و درمان اختلال اضطراب پس از سانحه در مناطق مشخصی از استان و شهر تهران آغاز شده و طی هفته‌های آینده گسترش می‌یابد.
محمدرضا شالباقان در ارتباط با عوارض و اختلالات روانی ناشی از هر حادثه گفت: «اصطلاح «ترومای روانی» در روان پزشکی و روان‌شناسی مطرح است و این عبارت را در زبان فارسی «ضربه روانی» یا «سانحه» ترجمه کرده‌اند. منظور از ترومای روانی، هرگونه استرس خارج از تجربیات رایج و معمولی انسان هاست. به‌طور قطع، تمام انسان‌ها با تجربه‌هایی مانند ترافیک، مشکلات بین‌فردی، مشکلات اقتصادی، آلودگی هوا و مشکلاتی از این دست به صورت روزانه طی حیات خود مواجه هستند». او با بیان اینکه برخی استرس‌ها فراتر از تجربیات معمولی انسان هاست، افزود: «به‌طور مثال، مواجهه با صحنه‌ای که یک فرد در آن دچار آسیب شدید جسمی می‌شود یا جان خود را از دست می‌دهد، فراتر از تجربه معمولی انسان هاست. همچنین اگر شرایط به نحوی باشد که هر لحظه در ارتباط با آسیب جسمی یا جانی خود احساس نگرانی کنیم، جزء استرس‌های فراتر از تجربیات معمولی انسان‌ها به حساب می‌آید. چنین مواردی با تعریف «ترومای روانی» منطبق است».
مدیر دفتر سلامت روانی، اجتماعی و اعتیاد وزارت بهداشت در ارتباط «اختلال اضطراب پس از سانحه» (PTSD) توضیح داد: «چند درصد افرادی که ترومای روانی را تجربه می‌کنند، با علائمی مواجه می‌شوند که اگر این علائم در کانون توجه قرار گیرد، احتمال دارد قابل درمان باشند و افراد به سمت اختلال اضطراب پس از حادثه سوق داده نمی‌شوند. مجموعه علائمی که یک ماه پس از سانحه ایجاد می‌شود، با عنوان «اختلال استرس حاد» (ASD) شناخته می‌شود». شالباقان درباره علائم اختلال استرس حاد توضیح داد: ترس مداوم برای تکرار سانحه، احساس حضور پیوسته در صحنه سانحه، تجربه حضور مکرر در سانحه، برهم‌خوردن خواب و بروز کابوس‌های شبانه، حس تعلیق و تنش و بروز مشکل در عملکرد جزء علائم اختلال استرس حاد هستند. در چنین شرایطی، اغلب افراد تلاش می‌کنند از موقعیت‌هایی که هرگونه ارتباط با موقعیت استرس‌زا دارد، اجتناب کنند. برای مثال، از محلی که حادثه در آن اتفاق افتاده گذر نمی‌کنند یا اگر یک خودرو سبب موقعیت استرس‌زاست از حضور در خودرو یا رانندگی اجتناب می‌کنند. او ادامه داد: «اجتناب از موقعیت استرس‌زا می‌تواند سبب مزمن‌شدن اختلال استرس حاد شود و این اختلال را به اختلال اضطراب پس از سانحه تبدیل می‌کند. اگر افراد با علائم اختلال استرس حاد در خود مواجه شدند، می‌بایست به روان‌پزشک یا روان‌شناس مراجعه کنند. مداخلات غیردارویی اولیه در بسیاری از موارد کافی است و به بهبود وضعیت فرد کمک می‌کند، اما گاهی اوقات به مداخلات دارویی نیاز است». او درباره مداخلات درمانی گفت: افراد با مراجعه به مراکز جامع سلامت می‌توانند خدمات مورد لزوم را دریافت کنند و در صورت نیاز به خدمات تخصصی یا ارجاع مراکز جامع سلامت می‌توانند خدمات تخصصی را از مراکز «سراج» (مراکز سلامت روانی-اجتماعی) دریافت کنند. شالباقان درباره ارائه خدمات برای پیشگیری از اختلال اضطراب پس از حادثه در جنگ ۱۲روزه گفت: برنامه‌های غربالگری و درمان اختلال اضطراب پس از سانحه در مناطق مشخصی از استان و شهر تهران آغاز شده و براساس جلسات هماهنگی با دانشگاه‌های علوم‌پزشکی شهر تهران، برنامه غربالگری و درمان اختلال اضطراب پس از سانحه طی هفته‌های آینده گسترش می‌یابد.

۱۰میلیون و ۲۰۰هزار سالمند

برآوردهای رسمی مرکز آمار ایران نشان می‌دهد جمعیت سالمندان کشور تا سال ۱۴۰۴ به حدود ۱۰میلیون و ۲۰۰ هزار نفر رسیده است. براساس اعلام این مرکز، جمعیت سالمندان کشور تا سال ۱۴۰۴ به حدود ۱۰میلیون و ۲۰۰هزار نفر رسیده که از این میان، حدود ۶۷ درصد معادل ۶٫۸ میلیون نفر، سالمندانی هستند که به دلایل مختلفی همچون فوت همسر، طلاق یا هرگز ازدواج نکردن، به‌تنهایی زندگی می‌کنند. همچنین براساس آخرین اعلام مرکز آمار ایران، بیشترین رویداد طلاق در زمستان سال گذشته در بازه زمانی یک تا پنج سال زندگی مشترک با ۱۳هزار۹۲۷ رویداد رخ داده و در مقابل به ازای زمانی ۲۵ تا ۲۹ سال زندگی مشترک کمترین رویداد طلاق را به خود اختصاص داده است.

طبق آنچه از وضعیت اجتماعی و فرهنگی ایران از سوی مرکز آمار ایران اعلام شده، میانگین مدت ازدواج قبل از اولین طلاق در زمستان سال گذشته به ۱۱٫۸ سال رسید که نسبت به پاییز سال ۱۴۰۳ تغییر نکرده است. این در حالی است که نسبت به زمستان سال ۱۴۰۲، ۰٫۲ درصد افزایش پیدا کرده است. در بخش دیگری از این گزارش بر تعداد طلاق ثبت‌شده بر حسب طول مدت ازدواج نیز اشاره شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد تعداد طلاق ثبت‌شده در ازدواج‌های با مدت کمتر از یک سال دوهزارو ۷۹۰ رویداد، یک تا پنج سال ۱۳هزار۹۲۷ رویداد، پنج تا ۱۰ سال ۱۰هزارو ۹۲۲ رویداد، ۱۰ تا ۱۵ سال ۹هزارو ۶۶۸ رویداد، ۱۵ تا ۲۰ سال هفت‌هزارو ۵۵۱ رویداد، ۲۰ تا ۲۵ سال پنج‌هزارو ۲۰۰ رویداد، ۲۵ تا ۲۹ سال دوهزارو ۱۱۴ رویداد و بیشتر از ۳۰ سال دوهزارو ۸۴۰ رویداد طلاق رخ داده است. بنابراین بیشترین طلاق در یک تا پنج سال (۱۳هزارو ۹۲۷ رویداد) اول زندگی مشترک رخ داده و در مقابل کمترین رویداد طلاق در زمستان سال گذشته در ۲۵ تا ۲۹ سال ازدواج رخ داده است.

۳ سناریوبرای بازگشایی مدارس

ایلنا؛ وزیر آموزش و پرورش از تدوین سه سناریوی بازگشایی مدارس شامل بازگشایی آرام، ترکیبی و مجازی برای همراه خبر داد و گفت: «برنامه‌ریزی برای نیروی انسانی، عدالت آموزشی و کیفیت‌بخشی در اولویت قرار گرفته است». علیرضا کاظمی با تأکید بر اینکه اقدامات مرتبط با آموزش و پرورش مانند ثبت‌نام پایه اول دبستان به صورت مستمر در حال انجام است، افزود: «تاکنون و در مقایسه با سال گذشته بیش از ۷۵ درصد ثبت‌نام پایه اول انجام شده است. همچنین آزمون ورودی مدارس سمپاد و نمونه‌دولتی نیز با تدابیر و تمهیدات به‌خوبی برگزار شده». او با اشاره به اینکه به دلیل شرایط بحرانی در کشور در آموزش و پرورش سناریوهای متفاوتی برای پیشبرد برنامه‌ها تعریف شد، افزود: «در این شرایط برای تمامی اقداماتی که در این وزارتخانه باید انجام می‌گرفت سناریوهای احتمالی تدوین شد تا وقفه‌ای در خدمات و برنامه‌ها پیش نیاید». او به تصحیح اوراق پایه یازدهم و دوازدهم که از مهم‌ترین اقدامات این ایام بوده، اشاره کرد و گفت: در روزهای جنگ ۱۲روزه با بسیج انجام‌شده، اوراق در زمان تصحیح و نمرات اعلام شد». او با ارزیابی ۷۲ هزار داوطلب ورود به دانشگاه فرهنگیان خبر داد و افزود: «بیش از ۷۰ درصد از داوطلبان ورود به دانشگاه فرهنگیان گزینش شدند. همچنین صد درصد مربیان و مدرسان پیش‌دبستانی نیز مورد گزینش قرار گرفتند». او با اشاره به آزمون استخدمای آموزش و پرورش اعلام کرد: «پس از اعلام آزمون استخدمای، حدود ۶۵۰ هزار نفر داوطلب شرکت کردند که از میان آنها ۳۰ هزار نفر جذب آموزش و پرورش خواهند شد». کاظمی به «دستورالعمل ستاد آموزش و پرورش در شرایط جنگی اشاره کرد و گفت: «این دستورالعمل به استان‌ها ابلاغ شده و از رؤسای کمیته‌ها می‌خواهیم بدون تعلل، اعضای آن را مشخص کرده و شرح وظایف و اهداف آن تهیه و اعلام شود». همچنین ضروری است در استان‌ها نیز متناظر این ستاد شکل گیرد».

گزارش «شرق» از تجربه‌های میدانی فعالان حقوق کودک در مواجهه با اخراج کودکان افغان پس از جنگ ۱۲روزه

فرزندان هیچ‌جا؛

اخراج نسلی که افغانستان را ندیده است

آنها در ایران با برچسب «افغانی» زیسته‌اند و هنگام بازگشت به افغانستان با انگ «ایرانی‌شده» یا «ایرانی‌ک» مواجه می‌شوند؛ اصطلاحی که در آن سوی مرز، نشانه بیگانگی است

مریم لطفی؛ روند اخراج مهاجران افغان از ایران که از ماه‌ها پیش آغاز شده بود، در هفته‌های پس از پایان جنگ ۱۲روزه ایران و اسرائیل، وارد مرحله‌ای جدید و شتاب‌زده شده است؛ مرحله‌ای که به گفته وکلا و کنشگران حقوق کودک، هم قوانین داخلی ایران را نقض می‌کند و هم تعهدات بین‌المللی کشور را در قبال حقوق پناه‌جویان و کودکان زیر پا می‌گذارد. فضای امنیتی و نگرانی از بی‌ثباتی پس از جنگ، به‌وضوح سیاست‌های مهاجرتی را تحت تأثیر قرار داده است. موج جدیدی از اخراج، به‌ویژه برای مهاجران فاقد مدارک معتبر، از مرزهای رسمی اردوگاه‌ها آغاز شده؛ اما کارشناسان تأکید می‌کنند که این سیاست، نه صرفاً واکنشی به تحولات اخیر، بلکه تداوم روندی است که از ماه‌ها پیش کلید خورده و اکنون با شدت و دامنه‌ای بیشتر پی گرفته می‌شود. در همین حال، بنا بر گزارش تازه یو‌نیسف، تنها در ماه ژوئن بیش از ۲۵۶ هزار نفر از طریق مرز اسلام‌قلعه در نزدیکی هرات از ایران به افغانستان بازگردانده شده‌اند؛ میانگینی که در روزهای پایانی ماه ۲۰ هزار نفر در روز نیز رسیده است. کودکان حدود یک چهارم این جمعیت را تشکیل می‌دهند که شامل بیش از پنج هزار کودک تنها یا جداافتاده از خانواده نیز می‌شود؛ موجی که کودکان حتی آنها را که در ایران به دنیا آمده‌اند و مدرسه رفته‌اند، هدف گرفته است. گزارش پیش‌رو، روایت‌هایی میدانی و مستند از تجربه فعالان حقوق کودک را در دل این بحران انسانی بازگو می‌کند؛ روایتی که از نبود شفافیت، حذف نظام حمایت و رهاشدن هزاران کودک در مرز بی‌تابعتی و بی‌سروشنی حکایت دارد.

از بیمارستان تا اردوگاه

افخم صیاب، فعال حقوق کودک و هم‌بنیان‌گذار مؤسسه توانمندسازی زنان و کودکان مهر و ماه، در گفت‌وگو با «شرق» از تجربه‌های عینی و پیچیده‌ای می‌گوید که در هفته‌های اخیر با آن مواجه بوده‌اند. یکی از نمونه‌ها، مربوط به مادری است که برای ترخیص فرزند بیمار خود به بیمارستان رفته بود: «همان مادر، همراه با دو نفر از من و منشی، به بیمارستان رفتم. او را در آغوش داشت، همگی به اردوگاه‌های رد مرز فرستاده شده بودند. پدر خانواده با چند کودک دیگر در تهران مانده بود؛ مستاجر بودند و صاحبخانه پول پیش را پس نمی‌داد. پدر می‌خواست به همسر و فرزندش بپیوندد، اما امکان مالی نداشت. ما با واسطه‌گری توانستیم کمک کنیم مبلغ اجاره بازگردانده شود و این خانواده هم به بقیه اعضا ملحق شود. یک کودک ۱۲ساله هم داشتیم که در دوران جنگ به‌تنهایی او را رد مرز کردند؛ چون پدرش قبلاً در افغانستان نظامی بود، بازگشتش با خطرات جانی همراه بود. به همین دلیل کودک را به‌تنهایی به افغانستان بازگرداندند و حالا کودک در آنجا تنها مانده است». یکی دیگر از چالش‌های مهم، کودکان بدون مدارک شناسایی هستند؛ کودکانی که در ایران، در خانه و بدون مراجعه به بیمارستان متولد شده‌اند و فاقد گواهی ولادت‌اند. صیاب می‌گوید: «ما موردی داشتیم که خانواده دارای پاسپورت قانونی بودند، اما کودک در خانه به دنیا آمده و گواهی ولادت نداشت. حالا سال‌ها گذشته و این کودک به سن مدرسه رسیده، برای ثبت‌نام، نام او را در برگه سرشماری عمومیش وارد کرده‌اند، چون خودش مدرک نداشته. حالا عمو باید به افغانستان بازگردد، اما کودک و خانواده‌اش در ایران مانده‌اند؛ مادری با چهار فرزند دیگر، بدون توان مالی و جسمی برای مهاجرت».

نامیدی، فرار و تهدید به خودکشی

«آسیب‌های روانی که به این بچه‌ها وارد می‌شود، فاجعه‌بار است». این را افخم صیاب با تأکید می‌گوید. او از دختران نوجوانی می‌گوید که در پی تهدید به خودکشی، اخراج، به‌شدت به هم ریخته‌اند؛ گزارش‌هایی از تهدید به خودکشی، فرار از خانه و افسردگی شدید داشتیم. دختری که تا دیروز در مدرسه درس می‌خوانده و حالا آینده‌اش را در تاریکی مطلق می‌بیند، این ناامیدی فراگیر است و انگیزه زندگی را از بسیاری از آنان گرفته است». به گفته او، روان‌شناسان و مددکاران مؤسسه مهر و ماه شبانه‌روز مشغول رسیدگی به وضعیت این نوجوانان‌اند: «حجم کار فراتر از توان ماست و آنچه بیشتر از همه آسیب می‌زند، بی‌برنامگی و اجرای شتاب‌زده طرح اخراج است». صیاب به مصوبه‌ای اشاره می‌کند که پیش‌تر از سوی مسئولان اعلام شده بود و براساس آن، شش گروه از مهاجران افغان، ازجمله دارندگان مدارک پزشکی، زنان سرپرست خانوار و اقامت‌دارهای قانونی، از اخراج مستثنای می‌شدند. اما در عمل، این استثناها کنار گذاشته شدند: «بعد از مدتی اعلام شد ظرفیت اردوگاه‌ها تکمیل است و حتی کسانی که مدارک پزشکی داشتند به‌ندیش نشدند. زنان سرپرست خانوار که قرار بود مشمول حمایت بمانند، حالا یکی‌یکی در حال اخراج هستند». او با تأکید بر لزوم نگاه ریشه‌ای به این موضوع، ادامه می‌دهد: «هیچ‌کس با قوانین مهاجرتی مخالف نیست. ایران هم متعهد به اجرای پروتکل‌های بین‌المللی است. اما طبق همین معاهدات، ما حق نداریم کودک تنها را رد مرز کنیم. با این حال، آمارها نشان می‌دهد پنج هزار کودک افغان به‌تنهایی اخراج شده‌اند. این برخلاف کنوانسیون حقوق کودک است. ما بچه‌هایی داریم که نسل سوم‌شان اینجاست، هرگز افغانستان را ندیده‌اند و خانه‌شان ایران است. آنها را بیرون می‌کنیم و می‌گوییم بروید کشورتان؟ کدام کشور؟ اصلاً آنجا را نمی‌شناسند».

دخترانی که پشت در مدرسه ماندند

یکی از اصلی‌ترین نگرانی‌ها، سرنوشته تحصیلی کودکان، به‌ویژه دختران نوجوان است. صیاب می‌گوید: «این بچه‌ها با برگه سرشماری وارد مدارس شده‌اند. ۱۴، ۱۵ سال است که در مدرسه‌اند. حالا یکبار می‌گویند شما دیگر دانش‌آموز رسمی نیستید، آینده‌ای ندارید». او این وضعیت را با یک سؤال ساده توضیح می‌دهد: «فرض کنید همین حالا به یک کودک ایرانی گفته شود دیگر اجازه تحصیل ندارد. چه حسی دارد؟ همان را ضرب در هزار کنید. این همان حسی است که بچه‌های افغانستانی امروز تجربه می‌کنند». صیاب تأکید می‌کند که مؤسسه آنها هنوز اجازه دسترسی مستقیم به اردوگاه‌ها را ندارد؛ اما اطلاعات موثقی از مددجویان و خانواده‌ها دریافت کرده‌اند: «شرایط اردوگاه‌ها از نظر روانی، بهداشتی و… بسیار نامناسب گزارش شده است. بچه‌هایی که در آنجا هستند، با دنیای بیرون ارتباط ندارند و آمیدی به بازگشت هم برایشان نمانده است». این فعال حقوق کودک خواستار بازنگری جدی در برنامه اخراج اجباری است.

نوجوانان مردشان را برای خانواده می‌فرستند

در کنار اجرای شتاب‌زده طرح اخراج، خلا قانونی در زمینه حمایت از کودکان مهاجر، به بحرانی پنهان اما فراگیر دامن زده است. طاهره پژوش، فعال حقوق کودک، در گفت‌وگو با «شرق» بر ضرورت تدوین قانونی شفاف برای مهاجران افغانستانی تأکید می‌کند و توضیح می‌دهد که از همان آغاز فعالیت با کودکان مهاجر، بارها در ملاقات‌های رسمی با وزارت کشور، پلیس امنیت و دیگر نهادهای مسئول، این ضرورت را یادآور شده است: «حضور افغانستانی‌ها، به‌ویژه کودکان، در ایران نیازمند قانون‌گذاری دقیق و حمایتگر است؛ اما متأسفانه هیچ‌گاه این هشدارها جدی گرفته نشد». پژوش تأکید می‌کند که نمی‌توان از نیروی کار ارزان این مهاجران در اقتصاد زیرزمینی بهره‌برداری کرد و درعین حال هیچ حقی برای آنها قائل نشد. به گفته او، نبود قانون باعث شده برخورد با این خانواده‌ها و کودکان کاملاً سلیقه‌ای و بی‌ثبات باشد. او یادآوری می‌کند: «سال ۱۳۸۶، مدارس کودکان افغانستانی به بهانه حفظ امنیت ناگهان بسته شد و موجی از بازگشت مهاجران به افغانستان شکل گرفت. البته در آن زمان، طالبان سرنگون شده بود و امیدهایی به تحصیل وجود داشت، اما امروز شرایط کاملاً فرق کرده است، پژوش

چه خبر؟

آمار نگران‌کننده سقط جنین در کرمان

ایرنا؛ مسئولان دادگستری کرمان آمار سقط جنین در استان را نگران‌کننده می‌دانند و می‌گویند اقدامات آموزشی و اطلاع‌رسانی نیز به اندازه قبیل بازدارندگی ندارد؛ از این‌رو مسئولان بخش‌های مختلف باید به این پدیده ورود کنند.
ابراهیم حمیدی، رئیس‌کل دادگستری استان کرمان، با بیان اینکه سقط جنین پدیده‌ای شوم و در حال گسترش در جامعه است، گفت: «این پدیده نیازمند اقدامات ایجابی (فرهنگ‌سازی) و نیز سلبی (بازدارنده) است».
براساس اعلام پایگاه اطلاع‌رسانی دادگستری کل استان کرمان، رئیس‌کل دادگستری استان در نشست تخصصی مقابله با سقط جنین غیرقانونی افزود: «سقط جنین جز در موارد استثنائی، از نظر شرع و قانون مصداق قتل عمد است و دستگاه قضا با سودجویان این حوزه، ازجمله معدود افراد متخلف، قاطعانه برخورد می‌کند. از نظر شرعی، سقط جنین در موارد غیرضروری در حکم قتل عمد است و برای برخورد قضائی با این موارد هیچ خلا قانونی وجود ندارد». او ادامه داد: «متأسفانه تعداد بسیار اندکی از پزشکان و ماماها و… به دنبال سودجویی از این پدیده ضد انسانی هستند که به‌طوررقبن دستگاه قضا بدون اغماض با متخلفان در هر منصب و جایگاهی برخورد خواهد کرد».
رئیس شورای قضائی استان کرمان با بیان اینکه برنده‌های سقط جنین به‌صورت ویژه در شعب دادستانی و محاکم کیفری استان رسیدگی خواهد شد، هشدار داد: «در سال‌های اخیر افراد و مجرمانی که در این زمینه فعالیت داشته‌اند، تحت تعقیب قضائی قرار گرفته‌اند و احکام قضائی بازدارنده علیه آنها صادر شده است». او در ادامه هشدار داد: «با پزشکیانی که نظرات غیرتخصصی و خلاف قانون ارائه دهند، به‌طور جدی و قاطع برخورد خواهد شد. سازمان‌های مردم‌نهاد نیز باید به این موضوع وارد عمل شوند».
فرهنگ‌سازی در این زمینه را در اولویت قرار دهند».
در ادامه هم مهدی قویدل، معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری کل استان کرمان، با اشاره به کاهش سطح همکاری برخی دستگاه‌ها در سال‌های اخیر گفت: «در چند سال گذشته با اطلاع‌رسانی مناسب ۹۰ درصد متقاضیان سقط منصرف می‌شدند، اما امروز این آمار به ۵۵ درصد کاهش یافته است. لازم است رسانه‌ها، صداوسیما و نهادهای تبلیغی برای ارتقای آگاهی عمومی وارد عمل شوند». او تأکید کرد: «کارگروه جدیدی برای مقابله با سقط جنین غیرقانونی راه‌اندازی خواهد شد و این موضوع به صورت متمرکز پیگیری می‌شود».

شروع بارش‌های موسمی در جنوب کشور

رئیس سازمان هواشناسی کشور با اشاره به شروع بارش‌های موسمی در برخی استان‌های جنوبی گفت: «در کمتر از ۱۰ روز گذشته از ۱۹۰ ایستگاه هواشناسی و باران‌سنجی در جنوب کشور بارش باران گزارش شده است».
سحر تاج‌بخش مسلمان، با بیان اینکه بارش‌های موسمی از حوالی ۱۳ تیرماه آغاز شد و همچنان در برخی استان‌ها‌ی جنوبی ادامه دارد، افزود: «تمرکز فعالیت بارش‌ها از نظر شدت در سیستان‌وبلوچستان و از نظر وسعت تأثیر مربوط به استان فارس بوده است». به گفته او، در این مدت حداقل از ۸۰ ایستگاه هواشناسی یا باران‌سنجی در استان فارس، ۷۰ ایستگاه در سیستان‌وبلوچستان و بیش از ۲۰ ایستگاه در استان کرمان بارش گزارش شده است: «میزان بارش‌ها در برخی ایستگاه‌های سیستان‌وبلوچستان درخور توجه بوده است، به‌طوری‌که حداقل پنج ایستگاه بین ۵۰ تا ۸۵ میلی‌متر بارش ثبت کرده‌اند و حدود ۲۰ ایستگاه بارش‌های بیشتر از ۲۰ میلی‌متر گزارش کرده‌اند». تاج‌بخش مسلمان گفت: «در برخی مناطق استان فارس و کرمان نیز بارش‌ها درخور توجه بوده است، در

شهرستان داراب در جنوب شرق فارس ۳۸ میلی‌متر، روستای «گلمکان علیا» در شهرستان مرودشت ۳۳ میلی‌متر، شهر گلستان در شیراز و «ساردونیه» در کرمان ۲۴ میلی‌متر گزارش شده است».